



## استفاده از ظرفیت های «میانجیگری» و «داوری» در دوران شیوع دعاوی متأثر از کرونا

هر چند در دوران شیوع بیماری کرونا به دلیل محدودیت‌هایی که از سوی ستاد ملی مبارزه با کرونا در مورد فعالیت اصناف به ویژه اصناف پر ریسک و آزادی‌های تردد اعمال شده است...

هر چند در دوران شیوع بیماری کرونا به دلیل محدودیت‌هایی که از سوی ستاد ملی مبارزه با کرونا در مورد فعالیت اصناف به ویژه اصناف پر ریسک و آزادی‌های تردد اعمال شده است، این وضعیت دارای تبعاتی، چون رکود اقتصادی فراگیر و منازعات اجتماعی میان خانواده‌ها در کشور بوده که بدون تردید باید انتظار داشت پس از رفع این محدودیت‌ها حجم قابل توجهی از دعاوی متراکم شده، به شورا‌های حل اختلاف و محاکم سراسر کشور سرازیر شوند.

به گزارش «تابناک» برای رفع منازعات شخصی و اختلافات خصوصی متأثر از رکود اقتصادی و مشکلات اجتماعی، کمپین‌ها ک مختلفی راه اندازی شده و تاحدی هم موفق بوده اند، اما واقعیت ماجرا این است که این گونه اقدامات می‌توانند تسهیل کننده رفع اختلافات باشند و راه حل اصلی نبوده و متأسفانه خیلی از اختلافات ممکن است از طریق طرح دعوی و محاکم قضایی پی‌گیری شوند لذا همین موضوع سبب می‌شود تا پیش‌بینی لازمه برای هجوم این گونه پرونده‌ها به محاکم قضایی در نظر گرفته شود.

به اعتقاد برخی از کارشناسان حقوقی و قضایی درباره پرونده‌های کیفری که ممکن است از این به بعد طرح شود با توجه به تعطیلی طولانی مدتها بازار و اصناف و همچنین با لحاظ اینکه اکثر کسبه و تجار با چک کار می‌کنند لذا شاهد تشکیل پرونده‌های مختلفی درباره مطالبه وجه و پیگیری کیفری آن خواهیم بود. از سوی دیگر همانطور که مسئولان بهزیستی اعلام کرده اند در این مدت شاهد افزایش تماس‌ها و مراجعات مبنی بر وقوع اختلاف و منازعات خانوادگی بوده ایم که همین اتفاق هم خود سبب تشکیل پرونده‌های مختلفی خواهد شد. همچنین ممکن تخلف گرانروشی تاحدی افزایش یابد به دلیل اینکه کسبه مدتی تعطیل بوده و دچار خساراتی شده اند و برخی از آن‌ها در پی این هستند تا با گرانروشی زبان حاصل از این تعطیلی‌ها جبران نمایند.

در بحث دعاوی حقوقی هم مطالبه وجه از جمله چک و سفته و فسخ اجاره نامه‌ها و قرار دادها و تعدیل اجاره بها احتمالاً پرونده‌هایی است که ممکن است مطرح شوند همچنین تعدیل مهریه یا نفقه از جمله دعاوی خواهند بود که به احتمال زیاد افزایش خواهند یافت. همچنین دعاوی مربوط به کارگر و کارفرما یا بیمه بیکاری یا بیمه‌های پزشکی از جمله دعاوی هستند که ممکن است شاهد افزایش آنها باشیم.

برای پاسخ به این مقدار پرونده چندین راهکار بلندمدت و کوتاه مدت وجود دارد. در نگاه بلندمدت و کلان می‌توان قوانینی را مرتبط با این موضوع در مجلس تصویب کرد اما باید قبول داشت که تصویب قوانین خاص در مجلس ممکن است زمانبر بوده و تا زمانیکه به مرحله نهایی و اجرا برسند مدتی گذشته باشد و اثر لازم را نداشته باشند. از سوی دیگر برخی قوانین موجود هم جوابگوی چنین دعاوی هستند و می‌توانند با استناد به آنها منازعه بوجود آمده را حل و فصل کرد اما مشکل این است که حجم پرونده‌ها و تعدد مراحل دادرسی بر زمان رسیدگی تأثیرگذار بوده به گونه‌ای که ممکن است تا چندسال آینده حجم وسیعی از ظرفیت دستگاه قضا صرف پیگیری اینگونه پرونده‌ها باشد لذا به نظر می‌رسد که در این شرایط اشخاص می‌توانند از ظرفیت‌های قانونی دیگری مانند شورای حل اختلاف و نهاد داوری و نهاد میانجیگری بیشتر استفاده نمایند.

در کشور های توسعه یافته بحث داوری نهادینه شده، بگونه‌ای که بعنوان شغل و تخصص مورد توجه قرار گرفته است و اگر طرفین قرارداد در زمان اجرای مفاد قرارداد با مشکلی روبرو شوند قبل از هر اقدام حقوقی و مراجعه به قانون و دادگاه، اختلاف خود را به داور مرضی طرفین یا داوری که در متن قرارداد مشخص شده، عرضه می‌نمایند و حرف و نظر داور ملاک عمل قرار می‌گیرد و محترم شمرده می‌شود. در قوانین جمهوری اسلامی ایران در مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی باب هفتم به بحث در باره داوری پرداخته است.

همچنین قانون گذار با توجه به مشکلات یادشده و همین طور برای کاهش ترافیک قضایی در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ نهادی را پیش‌بینی کرده است که اتفاقاً برای عموم مردم بسیار آشناست: نهاد «میانجی‌گری» در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت. میانجی‌گری در شکل قدیمی خود چیزی شبیه همان ریش سفیدی رایج میان گروه‌های مختلف مردم است. مردم همواره در دعوی‌های مطرح ترجیح می‌دادند که دعوی را به

شخص ثالث بی طرفی که البته با تجربه و دنیادیده باشد ارجاع دهند تا مشکل را به بهترین شیوه ممکن و با صرف کمترین هزینه و زمان حل کند.

اکنون نیز ساز و کار اصلی میانجی گری به همان صورت گذشته است. یعنی دو طرف دعوا با توافق و سازش درباره ی روش های جبران خسارت وارده از جرم تصمیم گیری می کنند، بدون آن که در روند قضایی و دادگاه و صدور حکم درگیر شوند. حتی اگر ضرورت اقتضا کند، میانجی گر از بستگان و آشنایان و دوستان دو طرف نیز برای تسهیل روند دعوت به عمل می آورد. در آیین نامه ی مربوط به میانجی گری این نکته پیش بینی شده است که اگر دو طرف دعوی بر یک شخص خاص جهت ارجاع دعوی توافق کنند، مقام قضایی می تواند این شخص را تأیید کند.